

متن پیاده سازی شده جلسه اول سال اول درس خارج فقه العروة الوثقی - 4 مهر 1402

فایل پیاده سازی شده : [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

آنچه در این جلسات محور بحث قرار دارد، کتاب «عروة الوثقی» است، از این رو عنوان اصلی «فقه العروة الوثقی» است. در ضمن شرح و بیان ادله مسائل در کتاب مذکور، آرای سایر فقها مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. البته گفتنی است در این جلسات همه اقوال بررسی نمیگردد مگر برخی از اقوال که یا موافق نظر تحقیقی هستند یا اینکه بررسی آن ها دارای ویژگی خاصی بوده و مهم است.

اجتهاد، تقلید، مرجعیت و زعامت

عنوان مذکور، عنوانی فرعی بوده که بر اساس کتاب «عروة الوثقی» مورد بررسی قرار می گیرد. آنچه بین فقها مشهور است و پیرامون آن بسیار تحقیق و تألیف صورت گرفته است عنوان «اجتهاد و تقلید» می باشد. بنابراین همانطور که معلوم است دو قید «مرجعیت» و «زعامت» به این عنوان مشهور اضافه شده است.

قبل از آنکه علت این نوآوری تبیین شود باید متذکر پیشینه و اهمیت اصل بحث «اجتهاد و تقلید» شد:

پیشینه

همانطور که بیان شد پیرامون این عنوان، آثار و تحقیقات متعددی صورت گرفته است، اما این تحقیقات و پژوهش ها مرتبط به یک موضوع جدید و حادث یا به دور از عصر ائمه علیهم السلام نیست، بلکه سابقه و پیشینه این بحث ریشه در زمان حضور ائمه علیهم السلام دارد؛ مثلاً امام باقر علیه السلام به ابان فرمودند: «در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده...».

اهمیت بحث

بحث اجتهاد و تقلید در همه اعصار مهم بوده است، چرا که سبب می گشته تا گفتار، رفتار و سیره افراد بر اساس شریعت انجام گیرد، لکن در عصر کنونی این اهمیت دوچندان شده زیرا علوم و مطالب گوناگونی مانند اخلاق، عرفان و... بیان می گردد که شریعت از آنها حذف گردیده و همین امر موجب گشته تا شبهاتی اجتماعی پدیدار گردد. مثل آنکه افرادی در عمل دچار رفتاری متضاد هستند مانند کسی که حجاب ندارد اما مقید به نماز اول وقت است یا کسی که اهل نماز و سایر اعمال عبادی است اما سگ به همراه خود حمل می کند و... . از جمله شبهاتی که در عصر حاضر بر اجتهاد و تقلید وارد آمده و اهمیت بحث از این عنوان را مضاعف کرده است، اتکای عموم جامعه که متخصص در دین نبوده و مقید هم نیستند اما مطالعاتی دارند که به اطمینان های عرفی می رسند یا حتی یقین حاصل می کنند از این رو حاضر نیستند روی به تقلید آورند یا مجتهد گردند. اهمیت این بحث در اعصار گذشته بیشتر ناظر بین اخباریین و اصولیین بوده است که اخباری ها تقلید را جایز نمی دانستند در عین حال اجتهاد را واجب عینی قلمداد می کردند؛ اما در عصر حاضر خطری که متوجه همگان است حذف شریعت می باشد، زیرا نه تنها تقلید را نفی می نمایند، بلکه اجتهاد را نیز لازم نمی دانند. از این رو اهمیت و ضرورت بحث از این عنوان از دو منظر فقه و رفع شبهات اجتماعی است که البته بررسی مسائل بر زمین مانده این بحث ضرورت آن را مضاعف می گرداند.

ضرورت نوآوری دو قید «مرجعیت» و «زعامت»

پس از روشن شدن اهمیت و ضرورت بحث از عنوان مذکور بیان می شود؛ با توجه به اینکه بحث های گسترده ای پیرامون اجتهاد و تقلید صورت گرفته است اما دیده نشده به دو عنوان بسیار مهم «مرجعیت» و «زعامت» که در عصر حاضر اهمیت

بیشتری دارد به طور مستقل بحث گردد و تفاوتشان روشن شود اگرچه در خلال اباحت به آن پرداخته یا اشاره کرده اند؛ مثلاً آیا مرجعیت و زعامت یکسان هستند یا اینکه دو مقوله جدا می باشند؟ از این رو غرض از جای گذاری دو قید مذکور، ایجاد دو نهاد مرجعیت (مقلد و مقلد) و زعامت (رهبری سیاسی و اجتماعی) در کنار بحث اجتهاد و تقلید بود که به هم تنیده بوده و باید بحث گردد که آیا آن ها متفاوت از هم هستند یا یکسان اند؟ یا اینکه به غیر از شروط ذکر شده در ذیل مرجعیت مانند «رجولیت (مرد بودن)» و...، شروط دیگری متصور است یا اینکه باید به همین شروط بسنده شود و... که آیت الله خویی می-فرماید.

ضرورت بحث فقهی از عنوان «اجتهاد و تقلید، مرجعیت و زعامت»

در کتاب «عروه الوثقی» 72 مسأله پیرامون اجتهاد و تقلید بیان شده است که برخی از این مسائل فروع مختلفی را در بر می گیرد. اما باید توجه داشت مسائل گوناگونی مورد نظر و توجه است که در بین این مسائل یا در ذیل آن ها بحث نگردیده است. به عنوان نمونه به چند موضوع اشاره می شود:

1- جایگاه مرجعیت

این مسأله مهم است که مرجعیت در چه جایگاهی قرار دارد؛ این موضوع مهم اگرچه به طور کمرنگ در محافل علمی بررسی شده و در در نظام جمهوری اسلامی مورد توجه بوده اما از نظر فقهی لازم است تا با نگاه و تفصیل بیش تری به آن نگرسته شود.

2- اجتهاد شورایی

3- مرجعیت شورایی

از جمله مسائل مهم دو موضوع اخیر است که آیا اجتهاد به طور شورایی یا مرجعیت به صورت شورایی صحیح و مشروع است؛ البته باید توجه داشت که مقصود از اجتهاد شورایی یعنی عده ای خبره با گفتگو و مباحثه نتیجه ای را جمع بندی کرده و به عنوان فتوا و نظر شورا به همگان ابلاغ نمایند و مرجعیت شورایی غیر از اجتهاد شورایی است ممکن است افراد متعدد صاحب نظر در افتا و نظر مستقل عمل نمایند و شورایی نباشند اما به هنگام ابلاغ فتوا و در مقام تقلید مجموعه ای از نظرات بررسی شده و به شور گذارده می شود و یک نظر به عنوان نتیجه شورای مرجعیت جهت تقلید ابلاغ می گردد. از این رو بین اجتهاد شورایی و مرجعیت شورایی تفاوت وجود دارد.

4- مرجعیت عرصه ای

مرجعیت عرصه ای عنوانی نو و بدیع بوده و مقصود از آن این است، آیا یک فرد می تواند در ابواب مختلف فقه از فقها و مراجع متعدد تقلید نماید یا آنکه مرجعیت مطلق بوده و باید در تمامی ابواب از یک مرجع تقلید شود؟

5- وظیفه نهادها و علمای دینی

آیا علما و وظیفه دارند تا به تعیین مجتهد یا اعلم اقدام نمایند؟

مسأله 1

«يجب على كلِّ مكلفٍ في عباداته و معاملاتِه أن يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً.»

این مسأله دارای یک تنمه ای در مسأله 29 است که می فرماید: «يجب تعلّم حكم كلِّ فعل يصدر منه، سواء كان من العبادات أو المعاملات أو العاديّات.»

همانطور که مشهود است در این مسأله جدای از عبادات و معاملات، واژه «عاديّات» نیز اضافه شده که لازم است در تبیین مسأله 1 مورد توجه قرار گیرد.

مسأله 1 در بردارنده واژگان و عباراتی است که برای تبیین آن نیاز به بررسی و واکاوی دارد که در نتایج نیز اثر چشم گیری خواهد داشت؛ این عبارات و واژگان به بیان ذیل است:

الف) يجب

ب) في عباداته و معاملاتِه

ت) أن يكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً.

عبارات و واژگان

الف) يجب

اینجا این سؤال پیش رو قرار می‌گیرد که مقصود از وجوب در این مسأله چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، ممکن است آرای مختلفی پیش رو باشد:

1. وجوب شرعی؛ چنانچه مقصود از وجوب، وجوب شرعی باشد، انجام آن ثواب و ترک آن عقاب به همراه دارد و سبب فسق تارک آن می‌شود، مانند وجوب نماز.

2. وجوب عقلی محض؛ اگرچه نظر ما بر تلازم حکم عقل با شرع است، اما در اینجا وجوب عقلی محض است و تلازمی بین حکم عقل و شرع برقرار نیست، پس آثار وجوب شرعی را به همراه ندارد. ثمره این وجوب را در این مثال توجه کنید: «اگر کسی غیبت کرده گفته شده واجب است رضایت مغتاب را به دست آورد، اگر این وجوب شرعی باشد و ترک گردد، وی مرتکب دو گناه غیبت و ترک وجوب طلب رضایت شده است ولی اگر وجوب عقلی باشد دیگر گناهی بر گردن به جهت ترک طلب رضایت ندارد».

3. وجوب طریقی؛ مقصود از این وجوب آن است که انجام اعمال مکلف بر اساس تقلید، احتیاط و اجتهاد، طریقی است تا اطمینان یا یقین بر تحصیل واقع به دست آید یعنی اگر بر اساس احتیاط رفتار کرد و واقع را درک نمود دیگر مشکلی نیست.

4. وجوب شرطی؛ وجوب شرطی آن است که اگر مکلف بخواهد عمل نماید، صحت عملش مشروط بر تقلید، احتیاط یا اجتهاد است.

5. وجوب فطری؛ البته این نظر قسم مابقی نیست؛ توضیح مطلب بعداً می‌آید.

(ب) فی عباداته و معاملات

در اینجا این سؤال مد نظر است که چرا محقق طباطبایی، صرفاً این دو واژه را آورده است. همچنین امور عبادی و معاملی به دو نوع قطعی (بدیهی و یقینی شرعی و عقلی) و غیر قطعی تقسیم می‌شوند، اکنون سؤال این است که آیا تقلید در قطعیات نیز جایز است تا واجب باشد؟

(ت) أن یكون مجتهداً، أو مقلداً، أو محتاطاً

اگر تصور شود کسی به هر دلیل تا آخر عمر خود از فرد خاصی تقلید نکرده و محتاط و مجتهد هم نبوده است لکن بر اساس گفتار و شنیده‌ها از مردم اعمال خود را انجام داده و مصیب به واقع یا نظر حجت زمان خودش بوده است، حال چنین شخصی در زمره کدام دسته از افراد مذکور قرار می‌گیرد؟ وی قطعاً مجتهد یا محتاط نیست و مقلد هم نمی‌باشد چون باید در تقلید عمل خود را مستند به فتوای مرجعی بنماید که اینگونه نیست. یا در مثالی دیگر اگر شخصی بر اساس اطمینان (علم عرفی) یا یقینی که به دست آورده رفتار نماید در عین حال وی نه مجتهد است و نه محتاط و نه مقلد، بنابراین چنین شخصی در زمره کدام دسته از افراد مذکور قرار می‌گیرد؟

الحمد لله رب العالمین